

تشابهی که باعث ممنوع الکاری شد

ماجرای تشابه با هم آوایی اسمی بین هنرمندان ایرانی موضوع جدیدی نیست. ما سال‌هاست که ابوالفضل پور عرب را با فریبرز عرب‌نیا، بهروز افخمی را با مهدی فخیم‌زاده، آناهیتا نعمتی را با آناهیتا همتی و خداداد عزیزی را با شیلا خداداد اشتباه گرفته ایم! اتفاقی که حتی گاهی فراتر از تشابه اسمی هم رفته و سابقه شباهت ظاهری هم باعث شد تا «محمود بصیری» هم به خاطر شباهتش به محمود احمدی‌نژاد در دوران ریاست جمهوری او ممنوع الکار شود!

گفت و گو با شجریانی که نه خواننده است و نه حتی اهل موسیقی

بله!

من محمدرضا شجریان هستم

ماجرای کمک ۱۰ میلیونی که باعث شد هنرمند یزدی مورد توجه قرار بگیرد و حاشیه‌های جالب یک تشابه اسمی

به ناز مقدسی | چند روز پیش خبر گرفتن وام ۱۰ میلیون تومانی «محمدرضا شجریان» از وزارت ارشاد جناب خبر ساز بود که تارفع ابهامات، شایعات مختلفی مطرح شد. شایعاتی با این محوریت که چرا و چه شد که استاد آواز ایران برای گرفتن وام اقدام کرده است؟ حاشیه‌های این خبر باعث شد تا همایون امیرزاده مدیر کل روابط عمومی وزارت ارشاد این ماجرا را یک تشابه اسمی در میان هنرمندان اعلام کند. همین خبر کافی بود که به سراغ محمدرضا شجریانی بروم که سابقه نیم قرن بازیگری در سینما و تلویزیون و کارگردانی تئاتر دارد، اما شاید به خاطر تشابه اسمی با استاد آواز، هیچ‌وقت نامش به عنوان یک بازیگر سر زبان‌ها نیفتاد. «محمدرضا شجریان» متولد ۱۳۳۴ در یزد است و تقریباً ۱۵ سال از استاد شجریان کوچکتر. او از کودکی عاشق بازیگری بوده و به قول خودش ۲۵ سال از عمرش آفتاب را ندیده چون در سالن‌های تئاتر مشغول تمرین و بازی بوده است. او که حدود یکصد تئاتر را کارگردانی و بازی کرده و ۱۱ جشنواره سراسری تئاتر ۱۸ مقام کشوری دارد در یزد آدم سرشناسی است. با همه اینها در تمام این سال‌ها به خاطر تشابه اسمی که با استاد شجریان داشته، ماجراهای جالبی را تجربه کرده است. شجریان یزد که خودش هیچ‌وقت محمدرضا شجریان خواننده را از نزدیک ندیده و موسیقی را هم خیلی دنبال نمی‌کند خیلی از موقعیت‌های زندگی اش اشتباهی گرفته شده است. قصه همین در دسرهای دست اول باعث شد تا این مصاحبه شکل بگیرد؛ گفت و گو با «محمدرضا شجریان» فرزند حسن، صادره از یزد، بازیگر و کارگردان تئاتر.

• آقای شجریان، نام فامیلی شما از اول همین بود یا خودتان عوض کردید؟
نام خانوادگی «دهقان» بود. چون وارد کار هنری شده بودم از فامیلی ام خوشم نمی‌آمد، نام فامیلی «دهقان» خیلی زیاد است. (می‌خندد)
• به خاطر تشابه اسم کوچک تان با استاد «محمدرضا شجریان» نام فامیلی را هم شجریان انتخاب کردید؟
نه، من اوایل دهه ۶۰ تصمیم گرفتم فامیلی ام را عوض کنم و آن موقع هم اهل موسیقی نبودم و ایشان را نمی‌شناختم.
• پس اتفاقی فامیلی تان شجریان شد.
زمانی که می‌خواستیم نام فامیلی ام را تغییر دهم با آقای خضری یزدان که سال‌ها قبل مدیر دبستانم هم بود و بعد از بازنشستگی در روزنامه اطلاعات کار می‌کرد، مشورت کردم. او چند تا نام فامیل به من پیشنهاد داد که یکی از آنها شجریان بود و گفت اتفاقاً در یزد هم کسی این فامیلی را ندارد. من هم خوشم آمد و انتخاب کردم.
• خانواده تان هم بعد از شما، نام فامیلی را تغییر دادند؟
بله، بعد از این که من اقدام کردم پدر و خواهر و برادرهایم هم فامیلی شان را شجریان گذاشتند.
• گفتید تا قبل از تغییر نام فامیلی تان، محمدرضا شجریان خواننده را نمی‌شناختید؛ شاید به این دلیل که پیش از دهه ۶۰ او بیشتر به خاطر ترانه‌های انقلابی اش شناخته شده بود، اما طبیعتاً چندسال بعد که شما هم فامیلی تان را عوض کرده بودید، متوجه شدید شخصی هم نام شما، یک خواننده مشهور است. درست است؟
بله، چندسال بعد اسم ایشان به گوشم خورد و از همان زمان به بعد بود که خیلی‌ها من را به جای ایشان اشتباهی گرفتند.
• دقیقاً می‌خواستیم به همین سوال برسیم. این تشابه اسمی چه در دسری برایتان پیش آورد؟
نمی‌شود گفت در دسر، ولی خب بعضی وقت‌ها اتفاقات بامزه‌ای می‌افتد. مثلاً چندسال پیش با اتوبوس رفته بودیم جشنواره زاهدان. در راه برگشت به یک ایست بازرسی رسیدیم که چند تا اتوبوس را نگه داشته بودند و پلیس‌ها اتوبوس‌ها را می‌گشتند. یک افسر پلیس وقتی کارت شناسایی من را دید شروع کرد به تعارف کردن و گفت استاد ببخشید که معطل تان کردم. گفتم خدایا فقط در یزد من را می‌شناسند این افسر از کجا من را شناخت؟! بعدش هم رفت پایین و چایی و آب خوردن بر ایمان آورد. (می‌خندد) تاین که گفت استاد شما سی‌دی از آهنگ‌های تان دارید که امضا کنید و به من بدهید؟ آن موقع بود که فهمیدم او به خاطر اسمی که روی کار تم دیده‌م اشتباه گرفته. یک بار دیگر هم در فرودگاه آقایی که کارت شناسایی ام را گرفت گفت من همیشه آهنگ‌های شما را گوش می‌دهم، ولی هیچ‌وقت ندیده بودم تان، با اینجه یزدی که دارم گفتم: «کار تم را ببینید، من یزدی هستم.» به هر حال از این اتفاقات زیاد افتاده. به قول ما یزدی‌ها «مویی به بینه پلاسی می‌بافه».

• معنی این ضرب‌المثل یزدی چیست؟
پلاس یک نوع گلیم است. یعنی بعضی‌ها می‌نشینند و یادین کوچکترین چیزی شایعه‌سازی و یک کلاغ چهل کلاغ می‌کنند و گرنه دونه‌ها تشابه اسمی دارند خیلی چیز بزرگی نیست. الان ما در یزد یک نفر داریم که اسمش محمدعلی فردین است و مشکلی هم ندارد. حالا چون من هم کار هنری می‌کنم این اتفاقات می‌افتد.



محمدرضا شجریان در ۱۱ سالگی | محمدرضا شجریان



از سیاه‌بازی در کوچه تا نیم قرن بازی روی صحنه

نیمه شعبان در محله‌مان نمایش سیاه‌بازی اجرا کردم. خلاصه کم‌کم از سیاه‌بازی بیرون آمدم و به خانه نمایش یزد رفتم. اولین کارشناسی هم که به یزد آمد، آقایی به نام علی تاجر مشاقی بودند و بعد هم علی جوهری بودند و من زیر نظر آنها کار بازیگری را به



محمدرضا شجریان در نمایش «آن پروفسور» ۱۳۷۰

• از بحث تشابه اسمی شما با استاد محمدرضا شجریان خارج شویم. از زندگی و فعالیت‌های هنری خودتان بگویید. شما متولد یزد هستید و در آنجا بزرگ شدید و طبیعتاً در شهرهایی که نسبت به تهران کوچکتر هستند، امکانات و حتی نگاه مردم به مقوله بازیگری فرق می‌کند. شرایط برای شما چطور بود؟

بله، درست است به هر حال برای کارهای نمایش حساسیت‌هایی بود و طبیعتاً تعداد معدودی بودند که در یزد کار بازیگری انجام می‌دادند. اما کم‌کم با فرستادن یک سری کارشناس بازیگری به یزد فضا برای مراحت‌تر و باز شد.

• از چند سالگی بازیگری را شروع کردید؟

از ۶ سالگی احساس کردم به تقلید رفتارهای اطرافیانم علاقه دارم. دوست داشتم نقش شان را بازی کنم. این علاقه تا ۱۲ سالگی ادامه داشت. به این سن که رسیدم در چراغانی

اسم پسر همایون نیست!

و در این سن ۱۰ کیلو بیشتر وزن نداشتم، داخل پارک بودیم که یک موتورسوار با سرعت رد شد و زد به پسرهایم. دیدم که پسر در حالی که بچه را همچنان در بغلش گرفته، از زمین بلند شد و فکر کردیم که اتفاقی نیفتاده، ولی وقتی جلورفتم فهمیدم پسرم بر اثر ضربه شدید فوت کرده. موتورسوار هم رفت که رفت و هیچ‌وقت هم پیدایش نکردیم. این ماجرا را همه یزدی‌ها می‌دانند.

• آقای شجریان در کل مردم یزد چقدر شما را به عنوان «محمدرضا شجریان» بازیگر تئاتر می‌شناسند؟

فکر می‌کنم کل یزد محمدرضا شجریان بازیگر را می‌شناسند. من سال‌ها در تئاتر حضور داشتم و در خیلی از جشنواره‌ها شرکت کردم. الان بیش از ۳۰ سال است که در رادیو و تلویزیون یزد فعالیت می‌کنم. بازیگری آن قدر برایم جدی بود که حتی وقتی حساب می‌کنم در این ۶۵ سالی که از خدا عمر گرفته‌ام، ۲۵ سالش را آفتاب ندیده‌ام، چون ۲۵ سال به خاطر عشقی که به بازیگری داشتم، در سالن‌های تئاتر در حال تمرین و اجرا بودم.

• الان به چه کاری مشغول هستید؟
چند سالی است که بازنشسته شده‌ام، ولی همچنان در رادیوی یزد برنامه اجرا می‌کنم. یک انیمیشن هم در فضای مجازی به نام خانواده گل‌ها بخش می‌شود که مثل دیرین دیرین است و من به جای آقای گل صحبت می‌کنم.

• آقای شجریان، از دواج کردید؟ بچه دارید؟
بله، از دواج کردم و یک دختر و دوتا پسر دارم. یک پسر هم داشتم که در ۲۱ سالگی فوت کرد.

• اسم پسرهای تان که همایون نیست؟
نه، دیگر همایون نگذاشتیم. (می‌خندد)

• می‌توانم پسر همایون را فوت کرد؟
در ۲ ماهگی سرما خورد و تشنج کرد و بعد این بچه دچار هیدوسفالی و مغزش بزرگ شد. خیلی‌ها می‌گفتند بچه‌ات را ببر آسایشگاه، ولی برکت خانم بود، ۲۱ سال هم بزرگش کردم تا این که یک شب که برای تفریح به پارک رفته بودیم، بغل یکی از پسرهایم بود، چون حشه کوچکی داشت

محمدرضا شجریان در ۱۱ سالگی | محمدرضا شجریان